

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۶۸۷

ایسکرا

تلفن تماس با ما Tel:0046720077654

۱۶ مرداد ۱۳۹۲، ۷ اوت ۲۰۱۳

سردبیر عبدال گلپریان



محمد آسگران: طرح بحث 'کنگره ملی کرد' قدیمی است چنانچه خود صفحه ۳

کنگره ملی کرد و پیام آشتی به دولتها مصاحبه با محمد آسگران

این مصاحبه در انترناسیونال شماره ۵۱۶ چاپ شده است. بنا به اهمیت این مصاحبه آن را در این شماره چاپ کرده ایم. ایسکرا

انترناسیونال: "کنگره ملی کرد" و جلسه تدارک آن که اخیراً در

کردستان عراق تشکیل شد به موضوع داغی در کردستان تبدیل شده است. صورت مساله چیست، چه هدفی دارند و چه ارتباطی بین این کنگره و مساله کرد در منطقه وجود دارد؟

قضیه شرکت در مجامع ناسیونالیستها در حاشیه شرکت کومه له در "کنگره ملی کرد"

به بحث اطلاعاتی حزب و مصاحبه محمد آسگران و چند نوشته ای که از طرف کادرهای حزب کمونیست کارگری نوشته و منتشر شده اند اضافه کنم؛ اما دوست دارم که چند کلمه ای درباره چرایی نشست و برخاست و شرکت در کنگره ها و پنلها و میزگردها با جریانات راست و ناسیونالیست بگویم. من اینجا همچنین به برخورد لنین و پلمیک وی با بلشویکها هم در این مورد اشاره می کنم. منتها اشاره به لنین به هیچوجه مرعوب کردن طرف مقابل و دعوت آنها به سکوت نیست، بلکه اشاره ای است به تاریخی که به نادرست به کمک گرفته شده است. ما به لنین مراجعه می کنیم که از تاریخ هم یاد بگیریم.



ناصر اصغری
به دنبال شرکت کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) در آنچه "کنگره ملی کرد" نامیده می شود، و به دنبال انتشار اطلاعاتی "کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران" و بحثهای حول آنها، بحث مشروعیت نشست و برخاست با ناسیونالیستها مطرح شده است. تا آنجا که به خود این کنگره برمی گردد، من چیز تازه ای ندارم که

صفحه ۲

جنایتی دیگر علیه بشریت در سوریه!

کشتار دسته جمعی مردم کردستان توسط جریانات اسلامی را محکوم میکنیم!

طبق اخباری که از کردستان سوریه منتشر شده است، جریانات اسلامی جبهه النصر، حکومت اسلامی عراق و شام، القاعده، انصارالسنه و ارتش آزاد سوریه علیه مردم کردستان سوریه دست به جنایات هولناکی زده اند. این جریانات تنها در یک اقدام

جنایتکارانه ۷۰ نفر از مردم کرد زبان دو روستای "تلعران و تلحاسل" واقع در اطراف شهر حلب را کشته

صفحه ۵

فرماندار قروه کارگران فولاد این شهر را تهدید می کند کارگران فولاد قروه کوتاه نمی آیند

در حالی که محمد رسول شیخی زاده فرماندار قروه با احضار برخی از نمایندگان کارگران، وقیحانه آنان را تهدید کرده بود که ادامه تجمعات اعتراضی کارگران تبعات امنیتی برای آنان خواهد داشت، اما کارگران بی توجه به تهدید او

امروز نیز دست به تجمع اعتراضی زدند. نماینده های کارگران در جلسه هفته قبل نیز به محمدرسول شیخ زاده اعلام

صفحه ۵

نامه لقمان و زانیار مرادی در پنجمین سال زندانی بودنشان

"شورای عالی حقوق بشر سازمان ملل! شریف ایران ما زانیار و لقمان مرادی در حالی وارد پنجمین سال حبس خود میشویم که در این مدت تحت فشارهای شدید

نهادهای امنیتی و جابجایی میان چندین زندان و بازداشتگاههای متعدد و بازجوییهای بوده ایم که در همه آنها بطور کاملاً مغرضانه

صفحه ۵

خودکشی " زنان، قتلهای ناموسی نامرئی، قاتل کیست؟ / عبدال گلپریان صفحه ۶

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش بیست و یکم / عبدال گلپریان صفحه ۷

نهادهای مسئول در استان کردستان در هماهنگی با کارفرمای فولاد زاگرس در صدد تحمیل اخراج بر کارگران این کارخانه هستند صفحه ۸



نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان

در هفته گذشته چند رویداد در صحنه سیاسی جامعه در ایران و کردستان جاری بود. یکم: کنگره ملی کرد در مرداد ماه برگزار شد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با انتشار بیانیه ای اهداف این کنگره را برشمرد. ما ضمن برشمردن اهداف کنگره ملی کرد در ارتباط با شرکت کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران اعلام کردیم اینجا خطاب به یکی از شرکت کنندگان در "کنگره ملی کرد"، یعنی کومه له

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ شرکت در مجامع ناسیونالیستها...

فرق شرکت در نشست‌ها

دوستانی پرسیده اند که چرا شرکت در "کنگره ملی کرد" مورد سوال قرار می گیرد، اما چرا شرکت در میزگردهایی با ناسیونالیستهای غیرکرد توجیه می شود؟ اگر جریانی در کنگره ای برای پیش بردن اهداف اعلام شده ای شرکت کند، با جریانی که قرار است در میزگردی و برای رساندن پیام خود به توده هرچه وسیعتری شرکت کند، معلوم است که دو مسئله کاملا جداگانه ای هستند. بقول کامنت دوستی در فیسبوک: "این دو مثل دانه فلفل سیاه و خال مه رویان سیاه می مانند: این کجا و آن کجا." مسعود بارزانی در اولین سخنرانی خود درباره اهداف "کنگره ملی کرد" چنین گفت: "هدف اصلی ما در این کنگره عبارت از این است که همه احزاب سیاسی هر چهار بخش کردستان صاحب یک گفتمان و استراتژی واحدی بشوند و این استراتژی بر مبنای صلح و همزیستی با ملیتهای دیگر بنیاد گذاشته شود... ما نمی خواهیم علیه هیچ ملیت و دولتی در همسایگی خود و در منطقه باشیم... خود "اطلاعیه شماره یک کمیته مرکزی کومه له در رابطه با "کنگره ملی کرد" با زبان الکن و با اکراه و معترضانه می گوید که گردانندگان این کنگره یک چنین اهدافی را جلوی کنگره گذاشته اند. عالم و آدم می دانند که هدف کنگره تأکید بر جنبه صلح و آشتی و همزیستی با دولتهاست. کومه له زیر فشار انتقادات بیرونی می خواهد بر جنبه همزیستی و صلح ملیتها در سخنان بارزانی تأکید بگذارد! اما باز هم عالم و آدم می دانند که هیچوقت جنگ و خصومتی بین ملیتها نبوده. این ساخته و پرداخته همین احزاب ناسیونالیست است و با کنار رفتن آنها همه می دانند که چه صلح و دوستی ای بین آنها هست. اما این اهداف از پیش تعیین شده، که "اطلاعیه شماره یک ... هم معترضانه به آن اشاره می کند چه ربطی به شرکت در میزگرد و پنل با ناسیونالیستهای ایرانی دارد؟! "کنگره ملی کرد" قرار است همزیستی با دول ترکیه و ایران را مشروعیت بدهد و به پیش ببرد.

کومه له رفته و در کنگره ای شرکت کرده و یکی از اعضای کمیته رهبری آن است که قرار است کارهای مشخصی بکند! کومه له شاید و من امیدوارم که - به اهداف اعلام شده این کنگره اعتراض بکند، اما این اعتراض در تصمیمات کنگره تعیین کننده نخواهد بود و تأثیری هم نخواهد داشت. شرکت کومه له بعنوان بخشی از کنگره و حامی کنگره، قابل مقایسه با نشست و برخاست با رضا پهلوی و فرخ نگهدار و مصطفی هجری و غیره در یک میزگرد یا پنل ندارد. این دو ماهیتا پدیده های متفاوتی هستند. اجازه بدهید فرق بین این پدیده را، که گفتم ماهیتا پدیده های متفاوتی هستند، توضیح بدهم. وقتی که کمونیستی در پنلی با یک ناسیونالیست شرکت می کند، حقانیت بحث خود را در کنار بحث آن ناسیونالیست به قضاوت مخاطبین می گذارد و سر جایش هم جواب آن ناسیونالیست را می دهد و دیگران قضاوت می کنند. وقتی فرخ نگهدار و مصطفی هجری به کنگره یک حزب کمونیستی دعوت می شوند، آنها می آیند و در میان دهها مهمان و نماینده دیگر در آن کنگره به بحثهای بین نمایندگان گوش می دهند و در وقتی که به آنها اختصاص داده شده، اظهار نظر می کنند. کنگره بر مبنای حرفهای آنها قطعنامه ای تصویب نمی کند. اما اگر حزبی در کنگره ای شرکت کرد و کنگره از قبل اعلام کرده باشد که هدفش مشروعیت گرفتن برای گردانندگان کنگره فکر می کنند سخنگوی بخشی از مردم هستند و اتوریته آن احزاب را پشت اهداف اعلام شده اش می اندازد، این یک عمل هیچگونه سنجی با پدیده استفاده از تریبون و یا گوش دادن به مهمانی در کنگره و کنفرانسی ندارد. به نظر من مهم است که رفقای معترض کومه له به این مسئله و تفاوت بین این دو پدیده توجه کنند.

متد لنین درباره استفاده از بلندگوهای موجود

دوستانی از کومه له در صفحات رسانه های اجتماعی به شرکت لنین و بلشویکها در دوما روسیه در پی

بخش از سوسیال دمکراتهایی که خواهان استعفا نمایندگان سوسیال دمکراسی در دوما هستند، در می گیرند. لنین سرسختانه از آن نمایندگان دفاع می کند و خواهان ماندن و استعفا ندادن آن نمایندگان می باشد. لنین می گوید که دوما یکی از بهترین تریبونهای است که سوسیال دمکراسی باید به بهترین وجهی و تا جایی که ممکن است از آن استفاده کند. و اینجا لازم است که یادآوری کنم شرکت بلشویکها و لنین در دوما نه از سر موضع پارلمنتارستی بلکه از سر استفاده از تریبونی بود که در اختیارشان قرار گرفته بود. این را لارس لی هم به ما یادآوری می کند! همین موضع را لنین در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ هم پی می گیرد.

بهرحال موضع لنین در شرکت در مجامع احزاب طبقات دارا را فقط از سر "شرکت برای برانداختن نظام سرمایه داری" می توان توضیح داد. لنین در مقاطع مختلفی بر این تاکتیک تأکید داشته است. موضع رفقای کومه له در "کنگره ملی کرد" را با هیچ درجه ارفاقی نمی توان چنین توضیح داد و توجیه کرد.

ناسیونالیسم خوب، ناسیونالیسم بد

منطقی که امروزه و در مواجهه با بحث شرکت کومه له در "کنگره ملی کرد" از جانب اعضا و کادرهای کومه له جلو کشیده می شود این است که اگر ما با ناسیونالیستهای کرد می نشینیم شما هم با ناسیونالیستهای دیگری هستید. ما هم داریم حرف خودمان را می زنیم. اجازه بدهید چند مثال بیاورم. رفیق بهروز ناصری در نوشته "در باره شرکت کومه له در کنگره ملی کرد" رو به حزب کمونیست کارگری می نویسد: "اما مشکل آنجاست که شما رفقا به همان اندازه که از ناسیونالیسم کرد به آن شیوه ای که خود بیان کرده اید دوری میکنید، با ناسیونالیسمهای دیگر همین برخورد را ندارید و با فرمول سکولاریسم مناسبات با ناسیونالیسم دیگران را محفوظ میدانید." رفیق دیگری در

انقلاب ۱۹۰۵ و فوریه ۱۹۱۷ اشاره کرده بودند و شرکت کومه له در "کنگره ملی کرد" را با آن مقایسه کرده و یک متد دانسته اند. به نظر من این دوستان تاریخ را با دقت مطالعه نکرده اند. لنین هیچ وقت در مجالس و مجامعی که بورژوازی از قبل اهدافش را تعیین کرده بود شرکت نکرد. این یعنی مشروعیت دادن به کاری که بورژوازی می خواهد انجام بدهد و این از اساس با متد لنین مغایرت دارد. شرکت لنین در آن مجامع در چهارچوب همان میزگرد و پنلهایی می گنجد که بالاتر به آن اشاره کردم. او اهمیت بیش از اندازه به رساندن پیامش به توده هرچه وسیعتری و از طرق بلندگوهای مختلفی که در اختیارش قرار می گرفتند می داد. در سالهای اخیر آکادمیسینی به نام لارس ت لی تحقیقات با ارزشی درباره زندگی سیاسی لنین انجام داده است. حاصل کارهای او از جمله کتابی است به نام "لنین". لارس لی در این کتاب به جنبه های مختلف زندگی سیاسی لنین اشاره می کند و به اهمیتی که لنین به استفاده از بلندگوهایی که بورژوازی در اختیار سوسیال دمکراسی و بلشویکها قرار می دهد، می پردازد. مثلا لنین از اسامی مستعار زیادی استفاده می کند که بتواند مطالبش را در نشریات و روزنامه های مجاز منتشر کند. او به مقالات لنین و مطلبی از کامنف اشاره می کند که از زبان ازوپسی (Aesopian Language) (زبانی که بعضی مسائل را سرپوشیده بیان می کند)

استفاده کرده تا از سد سانسور رد شوند. لارس در جایی از کتاب "لنین" قسمتی از بحث و پلمیک لنین با یک سوسیال دمکرات تبعیدی، جورجی سالومان، در بروکسل را آورده است که خواندنی و جالب است. (این قسمت از کتاب از کتاب "خاطرات" سالومان نقل شده است). لنین در مسافرتی به بروکسل به خانه سالومان می رود و بعد از برگشت از جلسه سخنرانی ای که سوسیال دمکراتهای تبعیدی در بروکسل برای لنین تحت عنوان "درباره اوضاع کنونی" ترتیب داده اند، دنباله بحث در جلسه را تا طولی از شب با سالومان در منزل او ادامه می دهد. بحث داغی بین لنین و سالومان در باره موضع آن

یک بحث در فیسبوک می نویسد: "سوال دیگر این است مگر ناسیونالیسم خوب و بد دارد؟ چه طور نقد کنگره ملی کرد وارد عمل می شوید ولی از آن طرف با اتحادیه میهنی که قاتل رفقای کمونیستمان هستند می نشیند و مماشات سیاسی می کنید." و رفیق دیگری هم دعوت رضا پهلوی، فرخ نگهدار، رجوی و غیره به کنگره حزب کمونیست کارگری توسط منصور حکمت را به ما خاطر نشان می کند.

کادرهای کومه له از منتقدینی بوده اند که دائم از شرکت کمونیستها در میزگرد و پنلهایی با نمایندگان احزاب راست انتقاد کرده اند. (حتی از شرکت احزاب ناسیونالیست کرد مثل حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکشان در مجالسی که ناسیونالیستهای ترک و الاحواز و غیره هم در کاخ سفید و غیره شرکت می کردند، ابراز اعتراض می کرد.) بالاتر توضیح دادم که شرکت کومه له در "کنگره ملی کرد" با دعوت از رضا پهلوی برای شرکت در کنگره حزب کمونیست کارگری و یا شرکت مینا احدی در میزگرد تلویزیونی با کاظم علمداری و یا شرکت منصور حکمت در پنل بی بی سی با خانباتا تهرانی و داریوش همایون دو متد متفاوتی هستند. اما بالاخره این سؤال هنوز در برابر رفقای منتقد ما قرار دارد که بالاخره شرکت در مجامع و مجالس ناسیونالیستها مجاز هست یا نه؟ اگر نیست، چرا اصولا باید با حزب دمکرات کردستان و بارزانی و پ ک ک سر یک میز، آن هم نه برای جدل و بحث و پلمیک، بلکه بر سر تعیین سیاستی واحد و دیکته شده توسط بارزانی نشست؟ نکنند این یکی چون کردزبان و خودی هستند و از منظر چپ سنتی ناسیونالیسم بیرون از حکومت و سرکوب شده است قابل قبول است و آن یکی نه؟ یک با م و دو هوا؟!؟

۴ اوت ۲۰۱۳

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

از صفحه ۱ **کنگره ملی کرد ...**

بارزانی گفته است در دهه ۷۰ میلادی در میان بعضی از جریانات ناسیونالیست کرد این موضوع مطرح بوده است. اما در دهه ۹۰ میلادی خود پ.ک.ک اقدام به چنین کاری کرد و هدف آنها این بود که پ.ک.ک را برجسته کنند و هژمونی آن جریان را بر دیگر جریانات جنبش ناسیونالیستی تثبیت کنند. در ابتدا بعضی از همین احزاب فعلی که در روزهای اخیر در تدارک این کنگره شرکت کرده اند آنجا هم بودند اما به مرور زمان همگی از آن فاصله گرفتند و تنها پ.ک.ک و تعدادی از افراد نزدیک به آن در آن کنگره باقی ماندند. آن کنگره فعلا مثل یک حزب سیاسی تحت اتوریته پ.ک.ک فعالیت میکند و جریان مجزائی از پ.ک.ک نیست. اما کنگره اخیر متفاوت است. اهداف دیگری دارد. در شرایط و زمان دیگری قرار است برگزار شود.

اکنون شخص اصلی این کنگره نه اوجان و طالبانی بلکه بارزانی است. بارزانی به حکم موقعیتی که در میان احزاب ناسیونالیست کرد پیدا کرده است و اکنون رهبر احزاب حاکم در کردستان عراق است و به حکم امکانات مالی میلیاردی که در اختیار دارد و به حکم رابطه نزدیکش با دولت ترکیه و تا حدی جمهوری اسلامی به اتوریته اصلی احزاب جنبش ناسیونالیستی کرد تبدیل شده است. چنانچه بعد از دو دوره تعیین شدن به عنوان رئیس اقلیم کردستان بر خلاف قانون موجود در کردستان عراق با تحت فشار گذاشتن شرکای دیگرش برای سومین بار هم او را در این پست ابقا کردند. در رابطه با کنگره ملی کرد پ.ک.ک و دولت ترکیه از او خواسته اند که سخنگویی کنگره ملی کرد را به عهده بگیرد.

با این مقدمه به اصل موضوع میرسیم. بحران سیاسی در کشورهای منطقه و عدم تثبیت حکومت در عراق و سوریه این انتظار را بوجود آورده است که در ترکیه و ایران هم این تحولات اتفاق بیفتد. احزاب ناسیونالیست کرد میخواهند در این بحران و بی ثباتی سهمی از قدرت را عاید خود کنند. چنین ارگانی از منظر آنها کمک میکند در جایی مثل کردستان ایران

در آنجا هنوز لاینحل مانده است. حاکمیت در مناطقی از کردستان عراق هنوز مورد مناقشه احزاب ناسیونالیست کرد و دولت مرکزی است.

اما علاوه بر موضوع و معضل مسئله کرد همین امروز مردم کردستان خواسته ها و مطالبات زیادی دارند که همگی بی پاسخ مانده و این احزاب هم پاسخی برای آن ندارند. اولین مانع در مقابل مطالبات مردم کردستان خود جمهوری اسلامی است. این کنگره میخواهد پیام آشتی و صلح به آن بدهد و مردم کردستان میخواهند آنرا سرنگون کنند. کنگره ملی کرد و سیاست این احزاب ربطی به خواست و آرزوی مردم کردستان ندارد. مردم کردستان برای رسیدن به آزادی و رفع ستم ملی و یک زندگی مرفه و انسانی راهی بجز این ندارند که همراه دیگر بخشهای مردم ایران متحدانه و در یک صف برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلاش کنند.

انتر ناسیونال: نقش مشترک و

اصلی پ.ک.ک و مسعود بارزانی در این ماجرا از چه چیز ناشی میشود؟ بارزانی در راس یک حکومت و پ.ک.ک بعنوان یک جریان اپوزیسیون، آیا صرفا تعلق به اردوی ناسیونالیسم کرد چنین هدف و عمل مشترکی را توضیح میدهد؟

محمد آسنگران: عمده اهداف

مشترک فوری آنها، دوستی و هموار کردن راه سازش و هماهنگی با دولت ترکیه است. هر دو به این نیاز دارند که دولت ترکیه را راضی کنند وارد معامله و سازش با آنها بشود. بارزانی واضح است که با فروش و صدور نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی از کردستان عراق به ترکیه منافع اقتصادی سرشاری دارد. در عین حال مهم است که دولت ترکیه متحد بارزانی باشد نه دولت مرکزی عراق. البته دولت ترکیه هم منافع مهمی دارد و به آن محتاج است. برای مثال از ۱۵۰۰ شرکت تجاری خارجی ثبت شده در کردستان عراق ۱۰۰۰ شرکت آن متعلق به ترکیه است. در مقابل همه دولت‌های منطقه از جمله ایران و کشورهای اروپایی و آمریکا و ... در مجموع فقط ۵۰۰ شرکت ثبت شده در کردستان عراق

را عاید خود کرده اند. علاوه بر این وارد کردن نفت مرغوب کرکوک و دیگر منابع نفتی و گازی از کردستان عراق برای ترکیه از هر منبع دیگر با صرفه تر است. چون هم مسافت کوتاه است و هم با قیمت بسیار پایین تری از نرخ بازار فعلی آنها را خریداری میکنند. در ضمن دهها هزار نفر از کارگران بیکار ترکیه اکنون در کردستان عراق به عنوان کارگر مهاجر مشغول کار هستند.

برای پ.ک.ک هم مسئله مهم است چون بعد از سالها پیغام صلح فرستادن برای ترکیه اخیرا با پادرمیانی بارزانی پروسه مذاکره و مصالحه را شروع کرده است و میخواهد این پروسه سازش با دولت ترکیه به سرانجام برسد که در نتیجه آن، هم اوجان آزاد بشود و هم سهمی از قدرت را عاید خود کند. در عین حال هم بارزانی و هم پ.ک.ک اکنون احزاب متحد خود را در کردستان سوریه دارند. آنها ضمن رقابت با همدیگر به این نتیجه رسیده اند که این احزاب را در چهار چوب بازی هماهنگی با ترکیه هدایت کنند و این کنگره یکی از قدمهای اولیه آن خواهد بود و دولت ترکیه به همین دلیل خواهان این شده است که بارزانی سخنگوی کنگره ملی کرد بشود. و این نشان میدهد که دولت ترکیه هم یکی از بازیگران اصلی این ماجرا است و به قول یکی از رهبران حزب بارزانی قرار است نمایندگان دولت ترکیه و جمهوری اسلامی به این کنگره دعوت شوند. تازه آن وقت است که احتمالا کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) بعنوان یکی از احزاب شرکت کننده در این کنگره پی خواهد برد که به چه پروژه ای پیوسته است.

لازم به توضیح است که دولت جمهوری اسلامی هم از طریق حزب بارزانی و طالبانی با جزئیات در جریان پروسه این کنگره قرار گرفته است. علاوه بر این بارزانی معاملات دیگری هم با جمهوری اسلامی داشته است. معامله بارزانی و جمهوری اسلامی عمدتا سیاسی است. مدتی قبل اختلاف بارزانی و مالکی به جایی رسید که بارزانی تهدید به جدایی از عراق را مطرح کرد و مالکی هم دو سپاه ویژه برای جنگ با نیروهای مسلح احزاب حاکم در کردستان عراق را سازمان

داد. اما با تشدید بحران سوریه و اعتراض شدید و به خیابان آمدن مردم بخش مرکزی عراق علیه مالکی که عمدتا تحت تاثیر احزاب اسلامی سنی هستند، مورد حمایت بارزانی قرار گرفته بود.

جمهوری اسلامی هنگامیکه احساس کرد زیر پای مالکی داغ شده است، راه معامله و سازش مالکی و بارزانی با همدیگر را مهیا کرد. با توجه به اینکه بارزانی میخواست یک دوره دیگری هم به عنوان رهبر و رئیس اقلیم کردستان عراق در پست خود باقی بماند و هم دستش باز باشد که منابع نفتی و گازی و دیگر منابع طبیعی کردستان عراق را به فروش برساند و این برای مالکی غیر قابل قبول بود، جمهوری اسلامی نیاز بارزانی و مالکی را با یک راه حل سازش میان آنها موقتا حل کرد. در یک اقدام بسیار عجیب و غیر قابل باور مالکی از بغداد به اربیل آمد و با بارزانی ملاقات کرد و همه خواسته های او را پذیرفت. بارزانی هم بعدا به ملاقات مالکی رفت و اختلاف خودشان را چنان تخفیف دادند که اکنون به عنوان شریک و نه رقیب با همدیگر کار میکنند. در ضمن جمهوری اسلامی اتحادیه مهنی را ناچار کرد که برای یک دوره دیگر به بارزانی رای بدهد و کمک کند در پست رهبر و رئیس اقلیم کردستان عراق ابقا شود.

در اجرای این معامله، بارزانی هم حمایت از جریانات سنی مذهب مناطق مرکزی عراق را معلق کرد و خود را هم بیمان مالکی اعلام نمود. اکنون برای خوش خدمتی به جمهوری اسلامی تلاش میکنند که احزاب ناسیونالیست اپوزیسیون کردستان ایران را تحت لوای کنگره ملی کرد تشویق کند وارد معامله و سازش با جمهوری اسلامی بشوند. البته سازشی شبیه سیاستی که پ.ک.ک در ترکیه پیش میبرد. اینکه جمهوری اسلامی مثل ترکیه وارد این میدان بشود احتمالش بسیار ضعیف است. اما مهم این است که به توصیه بارزانی یا کنگره ملی کرد، این احزاب حاکمیت جمهوری اسلامی را بپذیرند و چنین درخواستی را مطرح کنند. همین یک اقدام ریشه آن احزاب را میکند و حقانیتی برای جمهوری اسلامی محسوب خواهد شد.

از صفحه ۳ کنگره ملی کرد ...

بازی جمهوری اسلامی با احزاب ناسیونالیست کرد برای تخفیف بحران متحدین خود بویژه دولت سوریه قبلاً آغاز شده بود. جمهوری اسلامی بیش از یک سال قبل ابتدا جنگش با پ.ک.ک و پژاک را تمام کرد و در یک اقدام غیر علنی و غیر رسمی امسکان توافق پ.ک.ک و سوریه را فراهم نمود. از این طریق بود که بخش عمده کردستان سوریه به احزاب نزدیک به پ.ک.ک تحویل داده شد. و ارتش سوریه از این منطقه خیالش راحت شد.

همه این تحولات و معاملات باعث شده است که بارزانی و پ.ک.ک منافع مشترک و حتی بیشتری نسبت به بقیه احزاب از تشکیل چنین کنگره ای تحت عنوان کنگره ملی داشته باشند.

انترناسیونال: موضوع تشکیل

حکومت خودمختار در مناطق کردنشین سوریه و عکس العمل فوری ترکیه در مقابل آن آیا ارتباطی به این کنگره و مسائل حول و حوش آن دارد و یا بر این روند تأثیری خواهد داشت؟

محمد آسنگران: فکر نمیکنم موضوع تشکیل این کنگره عکس العمل ترکیه به کردستان سوریه را باعث شده باشد. اینها ارتباط مستقیمی با هم ندارند. ترکیه خودش مشوق تشکیل چنین کنگره ای است. و یک هفته بعد از اولین جلسه تدارک برای این کنگره، نیچروان بارزانی عازم ترکیه شد و گزارش کارشان را به دولت ترکیه داد. اما تشکیل این کنگره میتواند بر موقعیت کردستان سوریه تأثیر داشته باشد و تأثیرش این خواهد بود که جریان ناسیونالیست حاکم در کردستان سوریه سعی خواهند کرد از راه دوستی و سازش با دولت ترکیه اهدافشان را پیش ببرند. چرا که آنها احزابی وابسته به پ.ک.ک و بارزانی

هستند و نمیتوانند خارج از چهار چوب سیاست این دو جریان که نیروهای اصلی تشکیل دهنده این کنگره هم هستند عمل کنند. علاوه بر این از مدتها قبل ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق در یک هماهنگی با هم مرزهایشان را با کردستان سوریه بسته اند. و این تنگنای زیادی برای مردم کردستان سوریه ایجاد کرده است چون هیچ ارتباطی با خارج، بجز از این دو مرز برای آنها ممکن نیست. اخیراً با قول و قرارهایی که صالح مسلم (رهبر حزب پی.دی.د. که حزب متحد پ.ک.ک در کردستان سوریه است) در سفرش به ترکیه داده است ترکیه در صدد است که مرزهایش را برای ارسال کمک انسانی به روی کردستان سوریه باز کند. اگر ترکیه این کار را بکند حکومت اقلیم کردستان هم به تبعیت از او مرز خود را با کردستان سوریه باز میکند.

انترناسیونال: درباره اهمیت این

حرکت گفته میشود که تشکیل "کنگره ملی کرد" میتواند به ایجاد یک "مرجعیت" مورد قبول توده ها بدل بشود و گویا در سطح بین المللی میتواند مردم کردستان را نمایندگی کند و یا جلو جنگ مسلحانه بین احزاب را بگیری. در اینمورد چه نظری دارید؟

محمد آسنگران: اولاً این مرجعیت

اگر تشکیل بشود مرجعیتی برای احزاب ناسیونالیست کرد است نه مردم کردستان. اینها نماینده مردم کردستان نیستند که کنگره شان مورد قبول مردم کردستان باشد. ثانیاً اینکه کنگره بتواند مانع جنگ این احزاب با همدیگر بشود یک احتمال است و بستگی به موقعیت و منافع آنها دارد. اما جنگ آنها علیه مردم و کمونیستها در کردستان میتواند حتی دستور کار و سیاست چنین کنگره ای هم باشد.

این یک توهم است که بعضی از جریانات چپ از جمله کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران به آن دچار شده اند و فکر میکنند این مرجع از سر دمکراسی خواهی از حقوق مردم و آزادی فعالیت کمونیستها دفاع میکند. این توهمی است که متأسفانه فقط حزب کمونیست ایران مبلغ آن است. جریانات ناسیونالیست کرد و بارزانی هیچکدام چنین ادعایی نکرده اند. و اگر هم این ادعا را میکردند تمام تاریخ این جریانات خلاف آنرا نشان میدهد. جنگ کردن آنها علیه همدیگر و یا علیه کمونیستها را منافع آنها و توازن قوای نیروهای سیاسی در میدان پراپتیك اجتماعی تعیین میکند که چنین جنگی اتفاق بیفتد یا نیفتد. این با خیرخواهی و نصیحت های اخلاقی ممکن نیست. اگر کمونیستها در کردستان ضعیف باشند نباید شك داشته باشیم که جریانات ناسیونالیست همچنانکه در همه بخشهای کردستان تاکنون تجربه کرده ایم این جنگ را تحمیل میکنند. نمونه های آن کشتار و ترور جریانات مخالف در کردستان ترکیه بوسیله پ.ک.ک است که حتی منتقدین درون خودش را هم ترور و سر به نیست کرده است. نمونه دیگر جنگ حزب دمکرات کردستان علیه پیکار و جنگ اتحادیه میهنی و بارزانی در دوره های مختلف علیه کمونیستهای کردستان عراق و حتی جریانی مثل حزب شیوعی عراق و حزب شیوعی کردستان عراق که جریانی شبیه حزب توده ایران هستند. اینها نمونه جنگهای تاریخ تقریباً دور این جریانات علیه کمونیستها و چپها است. نمونه متاخر تر این نوع جنگها حمله اتحادیه میهنی علیه حزب کمونیست کارگری عراق است که همین نوشیروان مصطفی اکنون خودش در نقش اپوزیسیون حکومت کردستان عراق جریان گوران (تغییر) را شکل داده است یک پای این حمله

علیه کمونیستها بود. اینها حتی مخالفین نیم بند خود را هم تحمل نمیکند. تاریخ اینها را نگاه کنید دهها نمونه از جنگ و قلدری این جریانات علیه مخالفین خود را میتوان دید. بارزانی هم علیه کمونیستها و هم علیه رقبای خود از نوع حزب شیوعی و اتحادیه میهنی بارها دست به اسلحه برده است. جنگ فراموش نشدنی بارزانیها علیه اتحادیه میهنی یکی دو تا هم نیست. از کشتار بیش از هزار نفر آنها در جریان حکاری که اتحادیه میهنی تازه تاسیس شده بود تا جنگ متحدانه بارزانی و ارتش صدام حسین در اواسط دهه ۹۰ میلادی و جنگهای طولانی مدت آنها که چندین سال ادامه داشته است، فقط نمونه هایی از سیاست آنها است که درجه "دمکرات" بودن این احزاب را نشان میدهد.

حمله نظامی اتحادیه میهنی علیه کمونیستهای عراق و حمله به مقر حزب کمونیست کارگری عراق بدون هیچ دلیل و بهانه ای، حمله مسلحانه حزب دمکرات کردستان علیه پیکار و سازمان چریکها و ... اینها تنها نمونه های برجسته جنگ این احزاب با مخالفینشان است. مورد دیگر همکاری سپاه پاسداران بوسیله اتحادیه میهنی و همراهی کردن سپاه برای ضربه زدن به حزب دمکرات کردستان ایران در عمق خاک کردستان عراق اقتضای دیگری است که طالبانی به آن مبادرت نمود. این در حالی بود هر دو حزب متعلق به یک جنبش و اختلاف چندانی هم با یکدیگر نداشتند. تنها چیزی که اتحادیه میهنی را به این اقتضای کشاند این بود که دل سپاه پاسداران را میخواست به جا بیاورد. اما جنگ احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق علیه مردم تحت ستم و ناراضی و کشتار و زندانی کردن و ترور مخالفین کار همیشگی آنها بوده است. جنگ احزاب حاکم در کردستان عراق با مردم و مخالفین خود دائمی و

تعطیل ناپذیر بوده است. اگر کومله اینرا امری عادی میداند و خود را هم پیمان و یا دوست اتحادیه میهنی و بارزانی میداند و در این جنگ خود را در کنار مردم نمیبیند، اشکال از تعریف مقوله جنگ نیست اشکال از این نوع کمونیسم است.

انترناسیونال: برای پس زدن

توطئه ها و طرحهای سازش و مماشات با جمهوری اسلامی و جلوگیری از اقدامات ناسیونالیسم کرد در این رابطه باید چکار کرد؟

محمد آسنگران: اولین کار این

است که اهداف و سیاست این احزاب و کنگره شان را افشا و ضدیت سیاست آنها را با منافع مردم به روشنی و بدون ابهام به همه مردم کردستان باید گفت. مردم باید بدانند و این حق مردم است که حقیقت را از زبان کمونیستها و کسانی که منافی جدا از منافع مردم ندارند بشنوند. قدم بعدی این است که کمونیستها متوجه این واقعیت بشوند که در امر خود که همانا سازمان دادن طبقه خود یعنی طبقه کارگر و مردم تحت ستم است تعجیل کنند و ببینند که جبهه بورژوا ناسیونالیستهای کرد دارند صف خود را متحد میکنند. باید بدانند آنها منافع طبقه خود را نمایندگی میکنند و کمونیستها هم باید این واقعیت را ببینند و راه حل خود را جلو جامعه قرار بدهند. اما تاجایی که به کردستان ایران مربوط است، جنبش چپ و سوسیالیستی جنبشی قوی و اجتماعی است. ما با اتکا به نیروی این جنبش و با اتکا به صف میلیونی کارگران و مردم تحت ستم که میخواهند از شر جمهوری اسلامی و همه مصائب سرمایه داری خلاص بشوند این طرح و پروژه بورژوا ناسیونالیستی را به شکست میکشانیم. هر جریانی که سرنوشت خود را به این تجمع و کنگره گره میزند باید بداند که در مقابل منافع و اهداف آزادیخواهانه مردم کردستان قرار گرفته است.

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم

<http://hekmat.public-archive.net/>

از طریق سایت زیر به کتاب

یک دنیای بهتر

می توانید دسترسی پیدا کنید.

www.wpiran.org

حزب کمونیست کارگری ایران

آرشيو عمومی منصور حکمت

www.hekmat.public-archive.net



جنایتی دیگر علیه بشریت...

از صفحه ۱

و ۳۵۰ نفر از مردم و جوانان این دو روستا را به اسارت گرفته اند. طبق گزارش فرانس پرس، جریانات تروریست اسلامی اعلام کرده اند جوانان اسیر این دو روستا ۲۰۰ نفر هستند. با توجه به این خبر سرنوشت ۱۵۰ نفر دیگر از آنها نامعلوم است. در يك اقدام جنایتکارانه دیگر، جریانات اسلامی بیست نفر از جوانان يك روستای دیگر را سر بریده و جنازه های آنها را در بیابان رها کرده اند و همزمان چند صد نفر دیگر از مردم کرد زبان کردستان سوریه را دستگیر کرده و کسی از سرنوشت آنها خبر ندارد.

طبق فتوای رسمی این جریانات، اموال مردم کرد زبان و زنان کرد زبان به عنوان غنائم جنگی حلال اعلام شده است. بهانه این جنایات که ابعاد روزافزونی می یابد همگامی و همکاری و معاملات احزاب ناسیونالیست کرد با رژیم جنایتکار اسد است. اما این دامن زدن به يك جنگ قومی مذهبی است که قربانی آن فقط مردم مناطق کردنشین نیستند. بلکه نفرت قومی و مذهبی و ارتجاع را تقویت میکند و علیه

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مرداد ۱۳۹۲
۳ اوت ۲۰۱۳

**اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.**

کارگران فولاد قروه...

از صفحه ۱

کردند که از خواست خود کوتاه نمی آیند و به اعتراض ادامه خواهند داد.

بدنبال تجمعات اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی و وعده



و سیلحه ای با ما برخورد شده است. اکنون هم علاوه بر تحمل آنهمه شکنجه و تهدید و سپری کردن سختترین شرایط سلولهای انفرادی، در انتظار روشن شدن حقایق و رهایی از این وضعیت اسفناک هستیم. اگر پس از چهار سال بازم سخن از تحمل درد و رنج نکنیم؛ اما از انتظاراتمان می توانیم بگوئیم. وقتی ناخودگانه و ناگزیر کینه توزیها، انتقام جوییها، تسویه حسابها و بی عدالتی های عقیدتی و ارزشی هر روز جلوی سیر قانونی پرونده مان را می گیرد، پس باید باردار از انتظاراتمان بگوئیم. در واقع انتظار ما از فعالین حقوق بشری این نیست که آنچه ان که ایدال ماست ما را درک کنند و معجزه بکنند. ما می دانیم که فعالین و نهادهای حقوق بشری در سطح وسیعی با مشکلات روبرویند و شاید مسائلی وجود داشته باشد که مانع از درک واقعی همه کیسها و موارد حقوق بشری توسط ایشان باشد. ولی بر این مبنا که نهادهای حقوق بشری را تنها پناه و مامن خود میدانیم و خواهان اجرای عدالت و تشریح روند ناسالم پرونده مان هستیم که پس از بارها و بارها نامنگزاری و درخواست اعاده دادرسی از مقامات قضایی همچنان بی پاسخ مانده است بدون اینکه خواهان برخورد با آنها بی باشیم که شکنجه مان کرده اند و آنهمه رفتار غیرانسانی و غیراخلاقی بر ما روا داشته اند.

نامه لقمان و زانیار...

از صفحه ۱



بدور از عدالت و رفتار انسانی میدانیم، بار دیگر ضمن پناه بردن به نهادهای حقوق بشری، از اما جمعه محترم میروان هم میخواهیم که بنا به مسئولیت شرعی و انسانی خود و با اتکا به جایگاهی که دارند بیشتر از این از این ظلمی که در حق ما روا داشته اند چشم پوشی نکنند و نگذارند که ما بیشتر از این قربانی انسداد ناعادلانه روند قانونی پرونده مان بشویم. همچنین در همین راستا از نهادهای حقوق بشری میخواهیم که صدای حق طلبی ما را به گوش جهانیان برسانند تا از این طریق تغییری در وضعیت و شرایط ما ایجاد شود.

با سپاس و تشکر فرازوان
زانیار و لقمان مرادی

پنجشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۹۲

همچنین انتظار ما از امام جمعه میروان این است آنگونه که شایسته شان و جایگاه دینیشان است نسبت به پرونده ساختگی اقدام بکنند. انتظاری که پس از چندین و چند بار وعده برای پیگیری پرونده مان، صادقانه و شجاعانه پیش نرفته است. اینک بار دیگر خطاب به اما جمعه محترم میروان میگوئیم، از آنهایی که همیشه دروغ گفته اند و ما را هم وادار و ناچار به دروغ کرده اند، از آنهایی که همیشه دشنام بر لب داشته اند و جوابمان را با بد اخلاقی و شکنجه داده اند انتظاری نداریم، اما شما می توانستید و می توانید با اذعان بر بی گناهی ما و بیرون کشیدن پای خود از این ظلم بزرگ گامی جدی در روشن شدن حقایق و نهایتاً آزادی ما بردارید. اکنون نیز با گذشت پنج سال از بازداشتمان، به عنوان دو جوان دریند که زمان و روال بازداشتمان را

شکایت کنند.

کارگران فولاد زاگرس پس از تجمع امروز اعلام کردند که همچنان به اعتراض برای رسیدگی به خواستهای خود ادامه خواهند داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از مردم مبارز و شرافتمند قروه، سنجند و در سراسر کشور می خواهد که با حمایت از کارگران فولاد زاگرس، تهدیدات فرماندار این شهر را محکوم کنند و با حمایت قاطع خود از کارگران مشت محکمی به دهان این مزدور حکومت بزنند.

کمیته کردستان حزب بر

ضرورت تشکیل هرروزه مجمع عمومی و شرکت فعالانه کلیه همسران و اعضای خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی کارگری و در مجامع عمومی آنها تاکید میکند. این مبارزه باید به پیروزی برسد و حضور همسران کارگران و مردم مبارز و آزاییخواه نقش مهمی در پیروزی کارگران خواهد داشت.

زنده باد مبارزه متحد و یکپارچه کارگران فولاد زاگرس قروه

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مرداد ۹۲ ،
۳ اوت ۲۰۱۳

از صفحه ۱ نگاه هفته

میخواهند حول استراتژی و گفتمان واحد برای جنبش خود و پیام صلح به دولت های همسایه که بخشی از همان استراتژی ناسیونالیستی است، این کنگره را سازمان بدهند. سیاستهای تا کنونی کومله اینرا نشان میدهد که پیام صلح و سازش با جمهوری اسلامی ندارد و استراتژی واحدی با ناسیونالیستهای کرد را تا کنون اعلام نکرده است. اما با این حال بجای مقابله و نقد استراتژی سیاسی ناسیونالیستها که اهدافی ارتجاعی دنبال میکنند و مبتکران این سناریو آرا رسماً اعلام کرده اند، عملاً همراه آنها شده است. آخرین اخبار در ارتباط با این کنگره از کانال نشریه "هاولاتی" منتشر شده در اقلیم کردستان آمده است «در این میان، ابراهیم علیزاده دبیرکل کومله کردستان حزب کمونیست ایران در گفت وگویی با روزنامه "هاولاتی"، چاپ اقلیم کردستان از عدم حضور سازمان تحت امرش در کنگره ملی در صورت شرکت نمایندگان حکومت اسلامی ایران خبر داد و گفت: پیام ما پیام صلح و دوستی است اما تاکنون هیچ گشایشی در فضای سیاسی ایران بعد از انتخابات روی نداده و کردستان ایران همچنان ملیتاریزه می باشد و هیچ زندانی سیاسی آزاد نگردیده است». عدم حضور سازمان کردستان حزب

کمونیست ایران اقدامی جدی و در راستای اهداف رادیکال و انقلابی این سازمان است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در بیانیه ۷ مرداد خطاب به مردم آزادیخواه کردستان اعلام کرده "مردم آزادیخواه کردستان! کارگران و زنان معترض! کنگره ملی کرد به رهبری مسعود بارزانی مبلغ سازش و مصالحه با جمهوری اسلامی است. میخواهد بگوید مردم کردستان با جمهوری اسلامی دشمنی ندارند. میخواهد به مردم کردستان اعلام کند که نمونه حکومت آینده آنها در بهترین حالت چیزی مانند شرایط فعلی کردستان عراق است که اکثریت همان مردم از دست مشتکی حاکمان دزد و فاسد به تنگ آمده و روزانه در حال اعتراض به وضع موجود هستند.

بارزانی و همراهانش تلاش میکنند راه سازش با جمهوری اسلامی را هموار کنند. این سیاستی به غایت راست و ارتجاعی و علیه منافع مردم کردستان است. باید مردم کردستان در مقابل آن بایستند و اجازه ندهند کوچکترین خللی در مبارزاتشان برای سرنگونی جمهوری اسلامی بوجود بیاید. راه حل مسئله کرد و رفع ستم ملی در کردستان از طریق سازش با جمهوری اسلامی و همراهی دیگر احزاب ناسیونالیست کرد که قرار است یک گفتمان و یک استراتژی واحد سهم خواهی از قدرت مرکزی اتخاذ کنند

کردستان ایران و بر متن فضای سرنگونی که بر کل ایران حاکم است، نقش بر آب میکنند و تلاش ناسیونالیستها برای ایجاد فضای سازش و مماشاش با جمهوری اسلامی را به بی آبرونی هرچه بیشتر برای این احزاب تبدیل خواهد کرد. زنده باد مبارزات آزادیخواهانه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی".

دوم: اعتراضات کارگران فولاد زاگرس قروه وارد دوره جدیدی شد. فرماندار و اداره کار شهر قروه تصمیم و ابلاغیه کمیسیون اصل نود را زیر پا لگد مال کردند. بدنبال دو بار تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل مجلس شورای اسلامی و رسیدگی کمیسیون اصل نود به خواستهای این کارگران مبنی بر ابقا به کار و پرداخت ۴ ماه دستمزد معوقه آنان، اداره کار و فرمانداری شهرستان قروه همچنان ۲۵۰ کارگر اخراجی فولاد زاگرس را سر میدوانند. ۱۲ مرداد کارگران فولاد زاگرس پس از عزیمت به کارخانه و امضای دفتر حضور و غیاب با در دست داشتن صورتجلسه کمیسیون اصل نود دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند و خواهان اجرای این صورتجلسه و رسیدگی به خواستههای خود میشوند. بدنبال این تجمع اعتراضی، نماینده های کارگران به جلسه ای در

نمیگذرد. کارگران و مردم کردستان همدوش و همراه سایر مردم ایران فی الحال در حال مبارزه و جدال با حکومت اسلامی سرمایه داران هستند و باید همین مبارزه را تا برپاداشتن انقلاب سراسری شان و سرنگونی کامل جمهوری اسلامی ادامه دهند. راه حل مردم کردستان و کارگران و کمیونتهای برای رفع ستم ملی و هر نوع ستم و تبعیض دیگر در جامعه فقط با انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی و اعمال حاکمیت خود از طریق شوراهایشان میسر میشود. هر سیاست و استراتژی دیگری که بخواهد موضوع سرنگونی جمهوری اسلامی را کم رنگ و یا از دستور خارج کند سیاستی ضد مردمی و همراهی با جمهوری اسلامی محسوب میشود. حکومتی که از هیچ جنایتی در تمام طول حاکمیتش علیه مردم کردستان و کل مردم ایران فروگذار نکرده است قابل مذاکره و صلح و سازش نیست. حزب کمونیست کارگری با قاطعیت اعلام میکند که کارگران و مردم کردستان ایران که بیش از سه دهه سرکوب و جنایت حکومت اسلامی را با گوشت و پوست تجربه کرده اند، زیر بار این توطئه ها نخواهند رفت. حزب کمونیست کارگری همراه با مبارزات آزادیخواهانه مردم کردستان و بویژه جنبش کارگری تلاش های ارتجاعی و ضد مردمی را با توجه به وزنه قدرتمند چپ و کمونیسم در

اداره کار دعوت شدند. در این جلسه رئیس اداره کار شهرستان قروه با دادن جوابهای سریالاً به نماینده های کارگران اعلام کرد صورتجلسه کمیسیون اصل نود ارزشی ندارد و شما برای رسیدگی به هر دو مورد از خواستههایتان (دریافت چهار ماه دستمزد معوقه و بازگشت بکار) می باید شکایت کنید و تا ۱۸ مرداد برای ارائه شکایت فرصت دارید. کارگران فولاد زاگرس از اول سال تاکنون دستمزدی دریافت نکرده اند و از ۱۸ تیر ماه سالجاری از کار خود اخراج شده اند. این کارگران در حال حاضر در شرایط بسیار مشقت بار معیشتی بسر میبرند. اعتراضات کارگران فولاد زاگرس قروه تا مرحله توافقات مابین کمیسیون اصل نود و کارگران گام اول و جدی بود. بدون این پیشرویهها ادامه این اعتراضات غیر عملی بود. فاز اول برسمیت شناختن خواستههای کارگران بود. اما، تحقق این مطالبات تا آخرین مرحله و گرفتن حقوق های معوقه و بازگشت به کار خود نیز دوره جدید و سازمانیافته ای را در دستور کار و اعتراضات کارگران گذاشته است. ما خانواده های کارگری، شهروندان شهر قروه، معلمان، جوانان، دانشجویان و کارگران بخشهای مختلف تولیدی در قروه و سنجند را فرامیخوانیم همگام با کارگران فولاد زاگرس از مطالبات آنها حمایت کنند. ***

خودکشی "زنان، قتل‌های ناموسی نامرئی، قاتل کیست؟

عبدل گلپریان



هر از چندی اخبار خودکشی و خود سوزی زنان در مناطق مختلف کردستان منتشر می شود با اینکه پای قاتل معینی در کار نیست اما این خودکشی ها در چهارچوب قتل‌های ناموسی قرار می گیرند. روز چهارشنبه ۳۱ ژوئیه زنی در

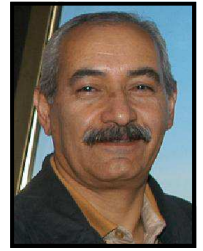
خبر همسر این زن بعد از بروز بدگمانی، او را تره و به منزل خانواده اش می فرستد. در مورد خودکشی هایی از این دست هر کس بنا به فراخور درک و بررسی خود بدنبال مقصر چنین واقعه تلخ و دردناکی می گردد. آیا زن مقصر بود؟ همسرش او را تهدید کرده بود؟ آیا مزاحم تلفنی عامل این واقعه بوده است؟ و دهها سوال از این نوع مدام در چرخش است که مسبب اصلی این خودکشی و نظایر آن را دست نشان کند و قاتل را بازشناسد.

جان زنی ۲۶ ساله دارای همسر و دو کودک گرفته شده است. این زن و صدها زن دیگر که با دستشان خویشتن و به خاطر تردید و بدگمانیهای همسر یا اطرافیان به زندگی خود پایان می دهند چندان ساده نیست. ظاهراً گرفته شدن جان

این زن بطور فیزیکی توسط همسر یا شخص ثالثی صورت نگرفته است و داستان این را نشان می دهد که گویا خود زن قاتل خویش بوده است و کسی در این رابطه مورد تعقیب و دادگاهی کردن واقع نمی گردد. حال که پای قاتلی حقیقی و حقوقی در بین نیست و شاک میبانی برای تشکیل پرونده وجود ندارد آیا باید به همین سادگی از کنار این موضوع رد شد؟ این زن و صدها زن دیگر با موقعیت مشابه یا متفاوت او، عاشق زنده ماندن و زندگی کردن بوده اند. پس اگر اینطور است باید پای عامل و مسببی در تحمیل گرفتن جان او در میان باشد. او برای پایان دادن به زندگی خود تصمیمی را گرفته بوده که این تصمیم ناشی از فشار های بیش از حد فکری، روحی و روانی از سوی

همسر و اطرافیانش در رابطه با مسایل به اصطلاح ناموسی بوده که دست به خودکشی زده است. او با دستهای خود جان خود را گرفته است با اینکه عاشق زندگی و زنده ماندن در کنار کودکش و لذت بردن از تنها یکبار حق حیات بوده است. او و صدها نمونه همچون او دست به خودکشی زده اند بدون اینکه قلبا خواهان پایان دادن به حق حیات خود بوده باشند. پس اگر پای قاتلی در میان نیست چگونه می توان از این نوع خودکشی ها جلوگیری کرد؟ اما اینگونه نیست که پای قاتلی در میان نبوده باشد. قاتل و مسبب اصلی هر روز در جامعه باز تولید می شود. سنتهای عقب مانده، باورهای مردسالار و مذهبی، قوانین ارتجاعی حاکم بر

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش بیست و یکم



عبدل گلپرین

مدرسه حزبی اکتبر

این ماموریتها با دنیایی از خاطرات شیرین و سختیهایی که به چشم نمی آمد و با انجام موفقیت آمیز ماموریت دسته سازمانده به پایان می رسید. در اواخر روزهایی که در مناطق اشغالی رژیم بودیم تعدادی دیگر از جوانان دختر و پسر از سننج و روستاهای منطقه برای آمدن به صفوف نیروی کومه له خود را به ما ملحق کردند و سپس به مناطق پایگاهی در جوار مرز باز گشتیم. گفتن و نوشتن از لحظه به لحظه این ماموریت در آن چند ماه بدون شك می تواند کتاب قطوری را به خود اختصاص دهد که تا به اینجا فقط به نمونه هایی از آن بسنده و به آنها اشاره کرده ام.

بلاخره بعد از دو هفته گذشتن از راههای صعب و العبور و کوهستانی به منطقه پایگاهی خود در منطقه مرزی بین ایران و عراق در اطراف مریوان بازگشتیم. علاوه بر پایگاه منطقه ای که در نوار مرزی داشتیم چند اردوگاه نیز در خاک عراق متعلق به ما بود که بیشتر نیروهای کومه له، ارگانهای ستادی و رهبری، انتشارات، رادیو و غیره در آن جا قرار داشتند. تا اواخر بهار همچنان ماموریتهای نزدیکتر به منطقه پایگاهی ادامه داشت که کوتاه مدت بود. دسته ما بعد از آن ماموریت طولانی برای استراحتی چند ماهه به اردوگاه مرکزی مالومه در خاک عراق روانه شدیم.

بعد از گذشت چند روز که در اردوگاه مالومه بودم به من اطلاع داده شد که خودم را برای شرکت در مدرسه حزبی اکتبر آماده کنم. از اینکه برای شرکت در این مدرسه انتخاب شده بودم خوشحال بودم. مدرسه حزبی اکتبر از دو سال قبل از آن شروع بکار کرده بود و شرکت کنندگان از میان کادرها و توسط کمیته مرکزی انتخاب می شدند. رؤس درسهایی که در این مدرسه تدریس میشد عبارت بودند از

اکتبر آن امکانی بود که می توانست بدور از فعالیت در منطقه و بگونه ای متمرکز و در محلی امن تر این خلاء را پر کند.

همانطور که اشاره کردم طرح راه اندازی این مدرسه همانند طرحهای مدرن و پیشرو دیگر ایده منصور حکمت بود. تعداد افراد حدوداً ۳۰ نفر بودیم که در پنج گروه شش نفره سازماندهی میشد. هر شش نفر از زنان و مردان شرکت کننده در یک چادر که گنجایش این تعداد را داشت به استراحت، خواب و خوراک و مطالعات روزانه می پرداخت.

صبح ها ساعت ۹ کلاسها شروع بکار می کرد که محل آن در وسط چادرهای گروهها بود. سالی که با چوب و حصیر و بشکلی مرتب ساخته شده بود، بعنوان یک کلاس ۳۰ نفر را در خود جای می داد و برای برگزاری جشن و مراسمهای دیگر گنجایش حضور بیش از ۶۰ نفر را داشت.

بعد از هر دو ساعت یکبار استراحتی نیم ساعته داشتیم و بعد از صرف نهار نیز مجدداً تا عصر همان روز کلاسها دایر بود. اوقاتی را هم بطور گروهی و یا فردی به مطالعه دروس همان روز می پرداختیم. بعضی اوقات شبها کنفرانسهایی بر سر مسایل مختلف سیاسی، فلسفی، اقتصادی و غیره برگزار می شد و بقیه پیرامون این موضوعات اظهار نظر می کردند. شبهایی هم به برنامه های شاد، آواز خواندن، موزیک و رقص محلی اختصاص داشت. نتایج و راندمان کار مدرسه های حزبی اکتبر بسیار عالی و رضایت بخش بود. رفقای کادری در این دوره ها شرکت داده می شدند که قبلاً با مطالعه و مسایل تئوریک نظری آشنایی کافی و لازمی نداشتند اما بعد از اتمام دوره ها همین دست از کادرها بخوبی قادر بودند متون پایه ای و جهانی کمیونیستی را به زبانی ساده برای نیروهای مسلح و توده های مردم بگونه ای منسجم و روشن توضیح دهند.

مباحث و موضوعاتی که در مدرسه حزبی اکتبر تدریس می شد برای شخص من تا زگی نداشت. قبل از فعالیت مخفی و علنی ام با کومه له و حزب کمیونیست ایران، این دست



از آثار مارکسیستی را مطالعه کرده بودم اما چیزی که برای من و بقیه تازگی داشت انسجام و تبیین خط، سیاست و نظراتی بود که منصور حکمت آنها را به جهت گیری مارکسیستی شفا، و روشنی بر فعالیتها و حزب کمیونیست و کومه له ناظر کرده بود. خط، روایت و مواضع سیاسی نظری و تئوریک منصور حکمت ناظر بر پراتیک حزب کمیونیست و کومه له بود. مثلاً دوجوع به کاپیتال در مدرسه حزبی اکتبر با آنچه که تا قبل از آن من از کاپیتال و ترجمه های قبلی خوانده بودم کاملاً متفاوت بود. دوره چهارم مدرسه حزبی بعد از گذشت نزدیک به سه ماه به کار خود پایان داد و وقت آن رسیده بود که کادرهای شرکت کنند از مسئولین عرصه های مختلف سیاسی، نظامی، سازماندهی و غیره، با اتمام این دوره به مناطق فعالیتی خود اعزام شوند.

در بخش نهم این سلسله از تاریخ یکپوره اشاره کرده بودم که وقتی سال ۶۱ با ضربه خوردن تشکیلات علنی در تهران به مناطق آزاد کردستان برگشتم، هنوز که علنی نشده بودم به یکی از اعضای رهبری کومه له گفته بودم که می توانم بعد از مدتی به باز سازی تشکیلات در داخل بپردازم اما او در جواب من گفت: "دور دور پیشمرگایتی است این کلاه و عینک را بردار و علنی بشو". در همان بخش نهم اشاره کرده بودم که به این موضوع باز می گردم. در اینجا مختصر به این موضوع می پردازم.

مدرسه حزبی به پایان رسیده بود و من می بایست به منطقه فعالیت خود برمیگشتم. در همین مقطع زمانی بود که رهبری وقت تشکیلات کومه له به این نتیجه رسیده بود که به سازماندهی در

داخل شهرها پردازد و برای شروع این کار ماموریتی تقریباً دائمی جهت سازماندهی مجدد تشکیلات در داخل شهرها را برای من در نظر گرفته بودند. طی جلسه ای که سه نفر از مسئولین تشکیلات شهرها با من برگزار کردند، این را عنوان کردند که سیاست رهبری کومه له در این دوره این است که تشکیلات مخفی شهرها را احیا کند. بدین منظور در نظر گرفته ایم که تو (یعنی من) برای این ماموریت سازماندهی مجدد تشکیلات شهر اعزام شوی. بعد از گذشت چهار سال فعالیت در بخش علنی و سخنرانی در دهها روستا در میان مردم و اینکه نهادهای رژیم و مسئولین پایگاههای رژیم در منطقه قاعدتا این دست از مسئولین تشکیلات علنی کومه له را با اسم و رسم می شناختند،

بعد از شنیدن صحبتهای هر یک از این رفقا نوبت به اظهار نظر من در خصوص این طرح رسید. در پاسخ گفتم که این سیاست غلطی است که رهبری کومه له می خواهد برای سازماندهی تشکیلات مخفی شهر از کسی استفاده کند که در فعالیت سیاسی نظامی علیه رژیم فقط خواجه حافظ شیرازی او را نمی شناسد. برای این رفقا توضیح دادم که هنگامیکه در سال ۶۱ که بر اثر ضربه به تشکیلات شهرها به مناطق آزاد برگشتم، از آنجا که هنوز علنی نشده بودم و برای کسی شناخته نشده بودم چنین طرحی را خود من به یکی از اعضای رهبری کومه له که خود او امروز و بعد از چهار سال تازه

از صفحه ۷ مختصری از تاریخ ...

در داخل شهر قابل نبود. حال که من چهار سال است که بطور علنی در اکثر روستاها برای مردم سخنرانی کرده و پایگاهها و مسئولین رژیم بخوبی مرا می شناسند چگونه می شود یک چنین عنصر بتمام معنا در



از صفحه ۶

خودکشی "زنان" ...

جامعه، فشارهای روحی و فکری از جانب همین سنتها از سوی باورهای مردسالارانه، تهدیدها و دیگر افکار عقب ماده و ارتجاعی ای هستند که همچون خوره ای به جان جامعه و این دست از زنان نگونبخت می افتند. مذهب، مردسالاری، فرهنگ و سنتهای عقب مانده بیوژه در میان همسران مرد، پدر و برادران با حمایت قوانین حاکم بر جامعه، قاتلان اصلی و بانی و مسبب گرفتن جان زنانی است که اسم آنها خودکشی گذاشته اند. فضای احاطه شده بشدت پوسیده تعصبات ناموسی که زن را برده مرد و موجودی درجه دو بحساب می آورد، قاتل این دست از زنان است. اگر همسر این زن او را مورد "بدگمانی" قرار داده است و او را از منظر فرهنگ، سنت و قوانین اسلامی و افکار مردسالارانه ترد می کند، در میان چنین فرهنگ و

دستگیری به سبب شبیه است از پایه غلط و نادرست است. طرح و پیشنهاد من این بود که باید در داخل شهرها با اتکا به فعالینی که هويت اجتماعي و طبيعي دارند چنین امری صورت بگیرد. همانند آن مقطعی که هنوز خود من علنی نشده بودم. بلاخره این رفقا بعد از انتقال صحبتهای من به رهبری کومه له، متقاعد شدند که این طرح آنها از بیخ غلط بوده است و آنها از دستور خارج کردند. بعد از اتمام این بحث و آغاز فعالیت دور بعدی در منطقه، شروع مجدد فعالیت من در مناطق اشغالی اینبار نه در دسته سازمانده بلکه در آرایش دیگری بنام واحد شهر آغاز شد. ادامه دارد

تحمیل خودکشی و اتخاذ آن بعنوان خلاص شدن از فشارهای فکری و روحی یعنی میدان دادن به همین فجایع علیه زنان. راهکار ایستادگی و مبارزه در مقابل همین باورهای عهد عتیقی است که دسته دسته زنان را قربانی خود می کند. جسارت و شهامت در تعرض به فرهنگ اسلامی مرد سالار در موارد زیادی قدرت، توان و جریره زنان و مردانی که در دفاع از حقوق برابر زن و مرد تلاش کرده و می کنند را بالا برده و بر محیط پیرامون تاثیر مثبت گذاشته است. رواج و گسترش روحیه مبارزاتی برای عقب نشاندن سنتها و فرهنگ ضد زن در هر جایی، وظیفه زنان و مردانی است که می توانند با اعتماد بنفس در جهت شکل دادن و متحد کردن دیگران برای مبارزه ای بی امان علیه قوانین و فرهنگ ناموس پرستی، تحمیل خودکشی را حاشیه ای کنند. راه چاره نهایی اما کنار زدن سیستم و دم و دستگاه حاکم و مدافع این قوانین ارتجاعی و جایگزین کردن آن با جامعه ای آزاد، برابر و انسانی است. این دنیای نابرابر و وارونه را باید با قوانین، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و سنتهای ضد انسانی اش دگرگون کرد و بر روی قاعده اصلی

۲۰۱۳

نهادهای مسئول در استان کردستان در هماهنگی با کارفرمای فولاد زاگرس در صدد تحمیل اخراج بر کارگران این کارخانه هستند

لازم به مراجع ذریع و تصویب آن در شورایی عالی کار بمدت معینی که توسط این شورا تعیین میشود کارگران خود را جهت وصل به بیمه بیکاری به سازمان تامین اجتماعی معرفی کند و پس از پایان مدت تعیین شده، کارگران بر سر کارهای خود بازگردند. اما علیرغم اینهمه صراحت قانونی و نیز تاکید کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، اداره کار و فرمانداری شهرستان قروه بعلاوه استانداردی کردستان در همدستی با کارفرمای کارخانه فولاد زاگرس بدون طی این مراحل و با تلاش برای وصل داوطلبانه کارگران به بیمه بیکاری در صدد تکمیل سیکل اخراج ۲۳۵ کارگر این کارخانه هستند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، از تاریخ ۳۱ تیر ماه که کارگران اخراجی فولاد زاگرس پس از جلسه کمیسیون اصل نود به شهرستان قروه بازگشته اند هر روز در کارخانه حاضر میشوند و دفتر حضور و غیابی را که خود تدارک دیده اند امضا میکنند. این کارگران از آزرمان تانوی دوبار نیز در مقابل اداره کار شهرستان قروه دست به تجمع اعتراضی زده اند و در آخرین اقدامشان در حوزه استانی، امروز شکایتی را از کارفرما بدلیل عدم پرداخت دستمزد و اخراج از کار به اداره کار شهرستان قروه تسلیم کردند.

این کارگران اعلام نموده اند در صورت تداوم روش فعلی مسئولین استانی نسبت به مصوبه کمیسیون اصل نود و عدم پرداخت دستمزدشان از سوی کارفرما، احتمالا بار دیگر تجمعات اعتراضی خود را در مقابل مجلس شورای اسلامی از سر خواهند گرفت و تسلیم بند و بستهای مسئولین استانی با کارفرما نخواهند شد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۵ مرداد ۱۳۹۲

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزاد کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

صفحه بندی: فرزاد کرباسی

FITNAH
 --F9177562413 -- مینا احدی
 --F77861476269 -- کوان جاوید
 --F77719166731 -- مریم نمازی
 آدرس پستی
 Maryam Namazie
 PM Box 1616, London WC1N 1XX, UK
 Email: fitnah@fitnahmovement@gmail.com
 Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk
 Website: www.fitnah.org
 Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement